

سیمای سالمندی در ایران: مطالعه ای اجتماعی - جمعیتی

دکتر محمد تقی شیخی^۱

چکیده

این واقعیت وجود دارد که به دنبال کاهش موالید، مردم بیشتری را می بینیم که زندگی می کنند، و از طول عمر بیشتری برخوردار می گردند. بهمین خاطر، سازمان ملل نیز سال ۱۹۹۹ را بعنوان سال بین المللی سالمند (IYOP) نامیده است. این پدیده ای است که هم جهان صنعتی و هم جهان غیرصنعتی امروزه با آن مواجه هستند. با ظهور پدیده رو به افزایش سالمندی، امروزه اغلب سه نسل یا بیشتر همزمان با یکدیگر زندگی می کنند. پدیده جدید پدر-مادربزرگ ها که خود زائیده پدیده سالمندی است، در این مقاله به لحاظ جامعه شناختی مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد. از آنجا که به دنبال کاهش موالید، امکانات بالقوه بیشتری به لحاظ مادی فراهم می آید؛ در آن قالب کیفیت زندگی بهبود می یابد. نتیجه چنین حرکتی، ماندگاری بیشتر جمعیت، یا به عبارت دیگر، افزایش جمعیت سالمند در یک جامعه مورد نظر است. ایران نیز امروزه با پدیده یاد شده رو به رو گردیده است، و آن خود نیاز به نظارت بیشتر و سرمایه گذاری بیشتر دارد. فرضیه اصلی تحقیق حاضر تأکید بر این دارد که: "در اختیار گذاشتن خدمات بیشتر، خود بهبود کیفیت زندگی پدربزرگ ها و مادربزرگ های سالمند را فراهم می آورد". مقاله همچنین تصویری از خانواده های رو به سالمندی را منعکس می نماید. در این تحقیق پژوهشگر به تعداد ۲۷۲ پدربزرگ و ۴۰۲ مادربزرگ دسترسی پیدا کرده، و آنها را در قالبی جامعه شناختی مورد ارزیابی قرار داده است. در این پژوهش، ۴۵۲ خانواده دارای پدربزرگ و مادربزرگ مورد ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سالمندی، پدر، مادربزرگ ها، طول عمر، ماندگاری کیفیت زندگی.

۱- استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا

مقدمه

از آنجا که سالمند شدن و طول عمر در ایران به تدریج رو به افزایش است، مقاله حاضر به دنبال این است که سلامت و کیفیت زندگی این افراد که در این مقاله از آنها بعنوان " پدر- مادر بزرگ ها" نام برده شده است، مورد بررسی قرار دهد.

این بررسی سعی دارد با شناخت عوامل تثبیت کننده و بهبود بخشنده وضعیت و موقعیت فرد سالمند در خانواده گامی هر چند کوچک در جهت حفظ و تعالی این جایگاه و موقعیت برداشته، و کمکی هر چند اندک در بهبود و ارتقاء شرایط زیست سالمندان در جمع خانوادگی بنماید (سام آرام و احمدی بنی، ۱۳۷۸:۲۶۹).

گرچه منابع و اسناد علمی محدودی در خصوص "پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها" در ایران وجود دارد، نویسنده در تلاش است تا از طریق جمع آوری اطلاعات و داده های مربوط، و با مراجعه به منابع خارجی، نظرات و منابعی در این زمینه تولید نماید. در حالیکه مفهوم «دوره سوم زندگی»^۱ در گذشته آنچنان معروف نبود، لیکن طی قرن بیستم، این مفهوم معنای عمیق و با اهمیت خود را یافته است؛ یعنی قرنی که در آن صنعت و دارو معجزه کرده است؛ و در آن تعداد سالمندان و پدر- مادر بزرگ ها افزایش یافته است.

در حالیکه در گذشته والدین بر جوانان بسیار تأثیرگذار بودند، ساختار خانواده خود آنگونه بود که تقریباً هر گونه تصمیم گیری نسل های جوان تر تحت اقتدار پدر بزرگ ها هدایت می شد (آصفی: ۱۳۵۲). در عین حال، به مرور زمان و به دنبال ارتقاء موقعیت کودکان و نوجوانان، اقتدار پدر- مادر بزرگ ها بر فرزندان و نوه ها رو به کاهش گذاشت. مقاله حاضر سعی بر ارائه تصویری از والدین بزرگ با عطف ویژه به زندگی خود آنها دارد؛ یعنی سلامت و کیفیت زندگی آنها را منعکس نماید.

افزایش و بهبود امید زندگی در همه جای جهان از جمله ایران به معنای آن است که در چنین شرایطی زوج ها شانس زندگی تأهلی طولانی تری را پیدا می کنند؛ و آن خود به آنها اجازه می دهد تا بعنوان پدر بزرگ و مادر بزرگ ظاهر گردند. تحت چنین شرایطی، تعداد پدر بزرگ و مادر بزرگ ها همواره بویژه در شهرهای بزرگ که تسهیلات بهداشتی و درمانی بیشتری در آنها وجود دارد، رو به افزایش است. تعداد سالهای زندگی مشترک به تفاهم دوجانبه و همیاری بین زوج ها در مسیر رساندن آنها به سالمندی کمک می کند. تا سن پنجاه سالگی

اغلب زوج‌ها عموماً وظیفه پرورش و بزرگ کردن کودکان خود را به پایان می‌رسانند. از این دوره به بعد، آنها به تدریج وارد دوره "پدر-مادر بزرگی"^۱ می‌شوند. بقیه سالهای متأهلی؛ یعنی "دوره آشیانه خالی"^۲، خود بازگشت به دوره ای است که فرد تنها با همسر خود زندگی می‌کند، و آن خود موجبات کاهش موارد معاشرت آنها را فراهم می‌آورد. در عین حال، با بالا رفتن میزان طول عمر، احتمال بیوه شدن یا تنها شدن هر یک از زوج‌ها وجود دارد که خود به چالش‌های جدیدی در خانواده می‌انجامد (شیخی، ۱۳۷۸:۲۴۴).

براساس گزارش خبرنگار اجتماعی فارس و به نقل از مایکل مارمت رئیس کمیسیون جهانی عوامل مؤثر بر سلامت (آبانماه ۱۳۸۸)، افزایش ۱۵ سال امید زندگی در ایران طی چندساله اخیر بسیار قابل توجه است، و خود نشان می‌دهد که کارهای زیادی طی این سالها برای بهبود وضع سلامت مردم انجام شده است. در حالیکه امید زندگی در ایران اکنون (۱۳۹۴) به طور میانگین ۷۴ سال است، این شاخص در کشور ژاپن حدود ۸۳ سال و در کشور لسوتو ۴۴ سال است (WPDS:2015).

بنابراین، ایران در سالهای آتی هنوز هم به شاخص امید زندگی جمعیت خود خواهد افزود (مارمت: ۱۳۸۸). این بدان معناست که در سال‌های آینده انتظار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های بیشتری را باید داشت. بنا به گفته مارمت، و براساس برآوردهای موجود، ۵۰ درصد سلامت مردم به عوامل اجتماعی مانند فقر، سواد، وضعیت مسکن، شغل و میزان رعایت حقوق زنان بستگی دارد، ۲۵ درصد به نظام سلامت و ۱۵ درصد به مسائل ژنتیک انسانها و ۱۰ درصد به محیط زیست بستگی دارد.

در هر حال، بسیاری از بزرگسالان امروزه در دوره اواسط زندگی خود، علاوه بر روبرو شدن با چالش‌های مربوط به فرزندان خود، می‌بایست نگران و شاهد سالمند شدن اولیاء خود (پدر-مادر بزرگ) نیز باشند. بسیاری از خانواده‌ها اینگونه دریافته‌اند که والدین بزرگ که به سنین هفتاد سالگی یا بالاتر راه می‌یابند، نیاز به مراقبت‌های عملی، عاطفی و مالی فراوان دارند؛ که آن خود پیچیده‌تر و صعب‌تر از پرورش فرزندان خود آنها می‌گردد. بطور مثال، آنهایی که در دهه ۱۹۵۰ متولد شده، و هم اکنون در سنین ۶۰-۵۰ سالگی خود هستند، می‌بایست همان تعداد سالهائی را صرف مراقبت از والدین سالمند خود کنند، که قبلاً صرف فرزندان مستقیم خود کرده‌اند (Jarrett: 1994).

1-Grand parenthood

2-Empty-nest

بازنشستگی نیز خود تغییر عمده ای در زندگی خانوادگی بوجود می آورد. در چنین شرایطی، در صورتیکه زن خانه دار بوده باشد، بازنشستگی همسر بدان معناست که هر «دو همسر» اوقات بیشتری خواهند داشت که با یکدیگر بگذرانند. گر چه حضور همسر در قالب غربی آن منبع مستر برای هردوی آنهاست، این وضعیت در مواردی شرایط عادی زنان را بهم می زند (آنها را نادیده می گیرد)؛ بنحوی که موجبات مداخله در امور یکدیگر را فراهم می آورد (Kalish: 1982:96). تا جائیکه به جامعه ایران مربوط می گردد، زنان از بازنشستگی همسران خود آنچنان استقبال نمی کنند؛ صرفاً بدین خاطر که حضور دائم آنها در خانه، پائین آمدن درآمد خانواده، مداخله همسران (شوهران) در امور روزمره زندگی و ... خود به چالش هائی بین آنها منجر می گردد.

مشکل ترین تحول در زندگی متأهلی به دنبال فوت یکی از دو همسر پدیدار می گردد. زنان نوعاً از آنجا که دارای امید زندگی طولانی تری هستند، و هنگام ازدواج جوان تر از همسران خود هستند، بیشتر از مردان عمر می کنند. از این رو، آنها این انتظار و آمادگی را می بایست داشته باشند که بخش قابل توجهی از زندگی خود را بعنوان بیوه زندگی کنند. در چنین شرایطی، تنهائی همراه با فوت همسر بسیار مشکل می نماید. این تجربه ممکن است حتی برای پدربزرگ ها یا مردان بیوه که معمولاً دوستان کمتری در مقایسه با مادربزرگ ها یا زنان بیوه دارند، بسیار سخت تر باشد؛ این وضعیت از آنجا ناشی می گردد که مردان عموماً مهارت های کمتری نیز در امور خانه داری دارند (Berardo:1970).

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهوم جدیدی در جامعه شناسی است که در زمینه های مختلف کاربرد دارد. در این مبحث با تأکید بر نحوه زندگی پدربزرگ ها و مادربزرگ ها، موضوع مورد مطالعه و کنکاش قرار گرفته است. آنچه که موجبات سلامت بیشتر، رضایت بیشتر، امنیت بیشتر، لذت بیشتر، زندگی شادتر و ... را فراهم می آورد، خود مفهوم کیفیت زندگی را می رساند. در حالیکه تابحال کمتر کیفیت زندگی والدین بزرگ که نسبت و تعداد آن نیز خود در ایران رو به افزایش است، مورد مطالعه قرار گرفته است، مقاله حاضر درصدد است تا تصویری از این گروه اجتماعی را با توجه به شاخص های مختلف اجتماعی و اقتصادی آنها منعکس نماید. آنچه که بین سایر عوامل بر کیفیت زندگی این گروه تأثیر می گذارد، منابع اقتصادی، تغذیه، سواد، بهداشت و درمان، فضای محیطی و نظایر آن است.

در حالیکه مفهوم کیفیت زندگی از زوایای مختلف و توسط شاخه های مختلف علمی مورد ارزیابی قرار می گیرد، مفهوم یاد شده ثابت نبوده، بلکه تحت تأثیر عوامل مختلف در نقاط شهری و روستائی، و بین اقشار مختلف دائم در حال تغییر است (شیخی، ۱۳۸۵: ۱۹۱). همینطور، جهت دستیابی به کیفیت زندگی بهتر، کشورها، بویژه ملل فقیر هر چه بیشتر می بایست نهادهای مورد نیاز خود را بسازند (بازسازی نمایند)، در غیر این صورت چرخه ای از نگرانی های اجتماعی، نابهنجاری ها و ... پدیدار می گردد. در چنین شرایطی، کشورها همواره از کیفیت زندگی رضایت بخش دور می گردند.

در پژوهش حاضر، متغیرهایی چون سن، وضعیت زندگی، وضعیت اشتغال، درآمد، رفاه، بیمه، سلامت، سواد و آموزش و ... بین پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها که خود بر کیفیت زندگی آنها تأثیر دارند، مورد جستجو قرار گرفته اند. اینگونه متغیرها در بخشی جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

روش تحقیق

جهت انجام تحقیق حاضر، پژوهشگر ابتدائاً مآخذ لازم و زمینه ای، و همچنین نظریه های مربوط به والدین بزرگ سالمند را مورد بررسی و مرور قرار داده است. در بخش نظری، تئوری های مربوط مورد پژوهش قرار گرفت، و متعاقباً دیدگاههای ضروری استخراج گردیده است، که در متن مورد استفاده قرار گرفته اند. فرضیه اصلی این تحقیق تأکید بر این دارد که: "در اختیار گذاشتن خدمات بیشتر، خود بهبود کیفیت زندگی پدربزرگ ها و مادر بزرگ های سالمند را فراهم می آورد". همینطور، در بخش عملی و میدانی بعنوان ستون فقرات تحقیق، ۴۵۲ پرسشنامه بطور مستقیم و چهره به چهره از طریق مراجعه به نمونه ها، بطور تصادفی در مناطق و محله های مختلف شهر تهران تکمیل گردیده است. پدربزرگ ها و مادر بزرگ های منتخب با زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مختلف، ضمن مراجعه به آنها، مورد مصاحبه نیز قرار گرفتند. سرانجام پرسشنامه های تکمیل شده، ویرایش، استخراج، و سپس داده ها در قالب جداول مرتبط با موضوع طراحی و مورد استفاده قرار گرفت. متغیرهایی چون فوت یکی از دو والدین بزرگ، وضع درآمد هریک، تحصیلات، شرایط رفاهی و بیمه و ... والدین بزرگ بعنوان متغیرهای مستقل بر سلامت و کیفیت زندگی آنها بعنوان متغیرهای وابسته تأثیر معناداری دارند. از آنجا که تعداد جداول استخراج شده این پژوهش بسیار فراوان است، و در قالب این

مقاله نمی‌گنجد، نویسنده فشرده و خلاصه‌ای از آنها را در قالب یک جدول در متن منعکس کرده است.

دیدگاه‌های نظری و منابع تحقیق

از نظر بسیاری از جمعیت‌شناسان اقتصادی، در شرایط جمعیت رو به سالمندی و افزایش در تعداد پدر-مادربزرگ‌ها، این خود منجر به پیامدهای منفی رشد سرانه تولید می‌گردد. هر گونه کاهش در جمعیت در سن کار نسبت به کل جمعیت، موجب افزایش نسبت جمعیت وابسته (پدر-مادربزرگ‌ها) به افراد در سن کار و اعضاء فعال خانواده‌ها می‌گردد. این پدیده به گونه‌ای فزاینده در جهان معاصر بویژه در کشورهای با امید زندگی بالاتر، در حال ظهور است. نظریه سرمایه‌گذاری انسانی چرخه زندگی مطلوب که توسط بُن پورات^۱ (۱۹۶۷)، مینسر^۲ (۱۹۷۴) و بِکر^۳ (۱۹۶۴) مطرح گردیده است، به این بحث پرداخته است که تغییرات تکنولوژیک سریع در قالب آموزش، عمدتاً تأکید بر سنین جوان تر دارد، و آن خود متعاقباً چالش‌هایی را برای جمعیت سریع‌الرشد بسوی سالمندی یا همان پدر-مادربزرگ‌ها پیش‌بینی می‌نماید. از این رو، رابطه بین سن و سرمایه‌گذاری انسانی، و در نتیجه رشد بهره‌وری را جدای از عوامل سازمانی و نهادی نمی‌توان یافت. تحت چنین شرایطی شمار پدر-مادربزرگ‌ها پیوسته رو به افزایش است. اما، بخاطر برنامه‌ریزی نامناسب و شرایط متناقض، تعداد قابل توجهی از پدر-مادربزرگ‌های رو به سالمند شدن در شرایط سالم و با کیفیتی در ایران قرار ندارد. هیچ نظریه اقتصادی به صراحت بیان نمی‌دارد که تا چه حد سالمند شدن بر شاخص بهره‌وری تأثیر دارد. بنابراین، محدودیت‌های مربوط به سلامت خود فرصت‌های اشتغال را بین پدر-مادربزرگ‌های مسن کاهش می‌دهد. در شرایط پتانسیل درآمد پائین، **سالمندان** مسن تر و بیمار، احتمالاً ساعات کاری خود را محدود می‌کنند، و زودتر نیز بازنشسته می‌گردند. ضعف سلامت همچنین ارزیابی و نظر والدین را نسبت به "خود آنها" تغییر می‌دهد. در عین حال، اطلاعات کمی از رابطه بین سلامت و بازنشستگی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در کشورهای منطقه آسیا از جمله ایران که سالمند شدن **بطور سریعی** در جریان است، در دست است.

1-Bon- Porath.

2-Mincer .

3-Becker.

ژاپن مصداق بارزی از سلامت و بازنشستگی پدربزرگ ها و مادربزرگ ها را در آن کشور بدست می دهد. آن کشور بیشترین نسبت والدین بزرگ را در حال حاضر دارا می باشد. در حالیکه در سال ۱۹۸۰ تنها ۹/۱ درصد جمعیت آن کشور ۶۵ ساله و بالاتر بود، در سال ۲۰۱۵ این نسبت به ۲۶ درصد افزایش یافته است و پیش بینی های جاری حاکی از این است که در سال ۲۰۲۵ حدود ۳۱ درصد مردم ژاپن ۶۵ ساله و بیشتر خواهد بود. این بدان معناست که در آن سال احتمالاً حدود یک سوم جمعیت آن کشور را پدربزرگ ها و مادربزرگ ها تشکیل خواهند داد (Ogawa:2003). از این رو، بسیاری دیگر از کشورها در سالهای آتی دارای تعداد و نسبت بیشتری از پدربزرگ ها و مادربزرگ ها خواهند بود.

دیدگاهی دیگر تأکید بر پیامدهای تغییرات جمعیتی رشد اقتصادی در درازمدت دارد. بطور مثال، آندرسون^۱ در سال ۲۰۰۱ برآورد کرده است که تأثیر سالمند شدن جمعیت، و ظهور شمار بیشتری از پدر-مادربزرگ ها بطور متوسط میزان رشد را به روندی نزولی سوق خواهد داد. بلوم^۲ و ویلیامسون^۳ نیز در سال ۱۹۹۸ اضافه می نمایند که نسبت جمعیت غیرشاغل (مادربزرگ ها) به جمعیت شاغل بین سالهای ۱۹۹۵-۱۹۶۵ با نسل نتیجه زاد و ولد^۴ زیاد، که خود به مثابه موجی ظاهر می گردد، طی آن به مرور زمان سرانه یا تولید ناخالص داخلی کاهش خواهد یافت. بلوم و ویلیامسون عقیده دارند که به نسبت افزایش موالید، درآمد سرانه کاهش می یابد، و اثر نهائی آن بر پدر-مادربزرگ ها حادث می گردد که اغلب مستمری بگير هستند.

این نکته بخوبی پذیرفته شده است که پیشرفت های اقتصادی اغلب جوامع صنعتی در آینده می بایست توسط نیروی انسانی محدود "و سالمند" صورت گیرد. سؤال عمده در اینجا این است که توسعه چگونه بر بهره وری و سرانه بازدهی هر کارگر تأثیر می گذارد (Blanchet:1992). از دید بسیاری از اقتصاد دانان، جمعیت سالمند یا پدر-مادربزرگ های رو به افزایش خود اثرات منفی بر سرانه تولید برجای می گذارد. از این رو، کشورهای با چنین ساختاری می بایست در جستجوی دیگر گزینه هائی (آلترناتیوهای) جهت پاسخگویی به کمبود نیروی انسانی خود (جمعیت ۶۴-۱۵ ساله) باشند. بهر حال، اگر چه تعداد پدر-مادربزرگ ها رو به افزایش است، شرایط اقتصادی آنها در کشورهایی چون ایران مخاطره آمیز است. آنها در حال حاضر وسیعاً به فرزندان خود وابسته اند، و این سناریو در سالهای آتی حتی جدی تر خواهد

1-Anderson.

2-Bloom.

3-Williamson.

4-Baby- boom Generation.

شد. این در حالی است که تا همین سالهای اخیر مطالعه پدر-مادربزرگ ها زمینه فراموش شده ای در مطالعات اجتماعی بوده است (Cunningham-Burley: 1986). این وضعیت حتی در حال حاضر نیز در بسیاری از کشورها لمس نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است. علاقمندی به این زمینه در محافل آکادمیک در ایالات متحده بیش از سایر جوامع می باشد (Begston and Robertson: 1985). یکی از موضوعات نگران کننده در این خصوص همانا کمبود حقوق و الزامات قانونی است که والدین در برابر نوه های خود دارند (Victor: 1994). به دنبال مطالعات صورت گرفته، این حقیقت کشف گردیده که مادربزرگ ها در صورت شاغل بودن زنان، مهمترین منبع مراقبت از کودکان بحساب می آیند (Martin and Roberts: 1984). در چنین شرایطی، تعداد قابل توجهی از کودکان پیش دبستانی که مادران آنها شاغل هستند، پدر-مادربزرگ های آنها در ساعات غیبت مادران آنها، از آنان مراقبت می کنند. تقریباً همین مقدار کمک و مراقبت از سوی پدر-مادربزرگ ها به کودکان در سن مدرسه نیز ارائه می گردد. هریس^۱ (۱۹۶۹) اینگونه بیان می دارد که این خود یک نوع مبادله است؛ یعنی در حالیکه دخترها عموماً مراقب مادران خود هستند، و به آنها سر می زنند، مادربزرگ ها نیز به نوه های خود می پردازند. بدینگونه هر دو والد با ایفاء نقش خود، نیازهای یکدیگر را نیز تأمین می نمایند.

وجود مردم سالمند بعنوان یک نسل که تا سن معینی زنده می ماند، خود نتیجه تحولات جمعیتی است؛ یعنی پیامد امید زندگی طولانی تر، میزان مولید کمتر و زایش بطور متوسط در سنین بالاتر است (Becker 2004). این سناریو نهایتاً به پدیده پدر-مادربزرگ ها منجر می گردد. در عین حال، در مواردی اینگونه تغییرات احتمالاً منجر به افزایش قابل توجهی در سوء استفاده^۲ از سالمندان می گردد که خود پدر-مادربزرگ ها را نیز شامل می گردد (Ramsey-Klawnsnik 2000 and Voelker 2002). از دیدگاه جامعه شناسی، افزایش بی قرینه در تعداد سالمندان وابسته (پدربزرگ ها و مادربزرگ ها) در برابر افراد در سن کار ممکن است خود به افزایش سطح استرس و فشار بین مراقبت دهندگان منجر گردد. این خود در مواردی موجبات سوء استفاده و کمبود رسیدگی به سالمندان و پدربزرگ ها و مادربزرگ ها را فراهم می آورد.

1-Harris.

2-Abuse.

یافته ها و منابع مربوط به سوء رفتار با سالمندان بر دو عامل وابستگی و فشار (استرس) تأکید می دارند. این شرایط موجبات و زمینه های سوء استفاده از سالمندان را فراهم می آورند. بطور مثال، رابطه مثبت بین سوء استفاده و محل کار "پرتنش" مورد تأکید پیلیمر^۱ و فینکلر^۲ (۱۹۸۹)، و پیلیمر و مور^۳ (۱۹۸۹) قرار گرفته است. در بسیاری موارد سوء استفاده از (سوء رفتار با) سالمندان پنهان و بعنوان حرکتی عادی است؛ و آن بستگی به جوامع، فرهنگ ها، فقر، غناء و ... دارد. در این خصوص هارینگتون^۴ و دیگران (۲۰۰۰) رابطه مثبتی بین ساعات کار پرستاران و مشکلات خانوادگی آنها یافته اند. مکانیزم های ویژه ای که به سطوح فزاینده سوء استفاده، بی توجهی و استفاده نابجا از آنها مربوط می گردد، هنوز آنچنان روشن نیست. آنچه که در این مطالعات روشن و مبرهن است، عبارت است از: هرگونه کاهش در نیروی کار مجرب و با صلاحیت، به افزایش موارد سوء استفاده از سالمندان منجر می گردد.

بهر حال، سلامت و کیفیت زندگی سالمندان وسیعاً بستگی به نهادها، چگونگی شخصیت و زمینه های نژادی- فرهنگی آنهاست که در اطراف اینگونه سالمندان قرار دارند. بنابراین، اینگونه افراد ممکن است موجبات رنجش سالمندان را فراهم آورند، یا با آنها خوش رفتاری کنند. در این پژوهش، بخاطر محدودیت منابع سهولت نمی توان از کلیه ابعاد زندگی والدین بزرگ پرده برداری کرد.

یافته ها

در مراجعه به خانواده ها جهت دستیابی به خصوصیات مختلف پدر- مادر بزرگ ها، پژوهشگر توانست به تعداد ۲۷۲ پدر بزرگ زنده در برابر ۴۰۲ مادر بزرگ زنده دسترسی پیدا کند؛ یعنی نسبت جنسی حدود ۶۸ مرد یا پدر بزرگ در برابر ۱۰۰ زن یا "مادر بزرگ". بین آنهاست که زنده بودند، ۷۵ درصد با یکدیگر زندگی می کردند. در پرسشی دیگر اینگونه اطلاع حاصل شد که حدود ۶۰ درصد پدر- مادر بزرگ های نمونه اظهار داشتند که تنها زندگی می کنند، در حالیکه ۴۰ درصد اظهار داشتند که با فرزندان خود زندگی می کنند. در این پرسش معلوم شد که ۷۳ درصد مادر بزرگ ها تنها زندگی می کنند، در حالیکه ۲۷ درصد با فرزندان خود ادامه می دهند. همینطور، موقعیت اشتغال پدر بزرگ ها بدینگونه بود که ۲۷ درصد از آنها اشتغال به

1-pillemer.

2-Finkelhor.

3-Moor.

4-Harrington.

کار داشتند، ۴۱ درصد مستمری بگیر بودند، یک درصد هیچگونه مستمری نداشتند، ۷ درصد وابسته به فرزندان خود بودند، و نهایتاً ۲۴ درصد متکی به ثروت و دارایی های خود بودند. این متغیر درخصوص مادر بزرگ ها اینگونه استنتاج شد که صرفاً ۲/۷۵ درصد آنها اشتغال به کار داشتند، ۳۵/۸۷ درصد مستمری بگیر بودند، ۱۵/۶ درصد اصلاً مستمری دریافت نمی کردند، ۱۸/۳۵ درصد وابسته به فرزندان خود بودند، و در نهایت ۲۷/۵۲ درصد وابسته به ثروت خود بودند.

در حالیکه خدمات بیمه نقش تعیین کننده ای در سلامت و امنیت پدر- مادر بزرگ های سالمند ایفاء می نماید، ۸۲/۷۲ درصد از پدر بزرگ های مورد مطالعه اظهار داشتند که دارای بیمه های درمانی هستند، و ۱۷/۲۸ درصد اظهار داشتند که تحت هیچگونه پوشش بیمه سلامت نیستند. در پرسشی دیگر درخصوص بیمه سلامت مادر بزرگ ها، ۸۴ درصد دارای بیمه و ۱۶ درصد فاقد آن بودند.

در جدولی دیگر درخصوص شرایط سلامت پدر بزرگ ها، براساس اطلاعات جمع آوری شده؛ ۳۶/۰۳ درصد سالم، ۱۱/۷۵ درصد دارای آرتروز، ۲۰/۲۲ درصد دارای نوعی از بیماری قلبی، ۷ درصد دارای بیماری قند و ۲۵ درصد دارای سایر بیماری ها بودند. این شاخص درخصوص مادر بزرگ ها اینگونه منعکس گردید: ۲۶/۶۲ درصد آنها سالم بودند، ۲۸/۶۱ درصد دارای آرتروز، ۱۲/۹۴ درصد دارای نوعی از بیماری قلبی، ۱۲/۱۹ درصد دارای بیماری قند، و بالآخره ۱۹/۶۵ درصد از سایر بیماری ها در رنج بودند.

در حالیکه سالمندان در ایران کاملاً باسواد نیستند، از این رو، تصویر تحصیلی / سواد پدر بزرگ ها در این مقاله بدینگونه قابل ارائه است: ۲۶/۸۴ درصد آنها بیسواد، ۳۰/۸۸ درصد تنها دارای تحصیلات ابتدائی، ۱۲/۵ درصد دارای تحصیلات کمتر از سیکل، ۲۴/۲۷ درصد دوره دوم متوسطه یا کمتر از آنرا تمام کرده و ۱/۸۴ درصد دوره دیپلم یا فوق دیپلم خود را تمام کرده بودند. همینطور، ۱/۸۴ درصد دارای لیسانس و ۱/۸۳ درصد دارای فوق لیسانس یا بالاتر بودند. در حالیکه وضعیت تحصیلی مادر بزرگ ها تا حدی با پدر بزرگ ها متفاوت است، داده های بدست آمده در خصوص آنها اینگونه قابل انعکاس است: ۴۶/۰۲ درصد آنها بیسواد بودند، ۳۰/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدائی، ۶/۴۷ درصد دارای تحصیلات کمتر از سیکل، ۱۳/۳۳ درصد دوره دبیرستان یا کمتر از آنرا تمام کرده بودند و ۲/۲۴ درصد دارای دیپلم یا فوق دیپلم بودند، ۱ درصد دارای لیسانس و تنها ۰/۲۵ درصد دارای فوق لیسانس یا بالاتر بودند. قابل ذکر است

که در گذشته؛ نیم قرن پیش یا بیشتر در جامعه سنتی ایران خانواده ها کمتر موافق با تحصیلات رسمی دختران خود بودند.

در این تحقیق، ارزیابی و طبقه بندی پدربزرگ ها برحسب احساس عمومی آنها اینگونه منعکس گردید: ۱۹/۱۲ درصد پدربزرگ های نمونه اظهار احساس تنهایی می کردند، ۴۴/۱۲ درصد اظهار بی حوصلگی می کردند، ۱۲/۵ درصد از مرگ هراس داشتند، و بالآخره ۱۶/۵۴ درصد پدربزرگ ها هیچگونه نظری نداشتند. در این خصوص، مادربزرگ ها اینگونه اظهار نظر کردند: ۳۰/۳۵ درصد آنها اظهار احساس تنهایی می کردند، ۳۰/۶ درصد دارای احساس بی حوصلگی، ۱۴/۴۳ درصد احساس عدم همیاری، ۱۲/۱۹ درصد از مرگ خود می ترسیدند، و بالآخره ۱۲/۴۴ درصد هیچگونه اظهار نظری نکردند.

جدول دیگری که منعکس کننده وضعیت پدربزرگ ها است بدینگونه قابل طرح است: براساس این تحقیق ۱۰/۶۶ درصد پدربزرگ ها در وضعیت فقر بودند، ۲۹/۴۱ درصد در شرایط انزوای اجتماعی قرار داشتند، ۳۰/۱۵ درصد از عدم امنیت در رنج بودند، و ۲۹/۷۸ درصد هیچگونه اظهار نظری نکردند. همینطور، تا جائیکه به پدربزرگ ها مربوط می گردد، ۹/۲ درصد آنها در شرایط فقر قرار داشتند، ۲۵/۸۷ درصد در انزوا، و ۳۵/۸۲ درصد در وضعیت عدم امنیت قرار داشتند. در عین حال، ۲۹/۱ درصد هیچگونه اظهار نظری نکردند.

در بررسی دیگر درخصوص رضایت پدربزرگ ها، واکنش های مختلفی بدینگونه بدست آمد؛ یعنی: ۵۹/۱۹ درصد از زندگی خود اظهار رضایت می کردند، ۱۸/۷۵ درصد از زندگی خود راضی نبودند، ۸/۸۲ درصد اظهار شادمانی می کردند، و بالآخره ۱۳/۲۴ درصد اظهار غم و اندوه می کردند. این وضعیت برای مادربزرگ ها بدینگونه بیان گردید: ۴۹/۵ درصد از زندگی خود راضی بودند، ۱۶/۱۷ درصد از زندگی خود ناراضی بودند، ۹/۹۵ درصد اظهار شادمانی می کردند، و بالآخره ۲۴/۳۸ درصد مغموم و نگران بودند.

در این پژوهش نگرش والدین بزرگ نیز نسبت به شرایط مختلف اینگونه سنجیده شد: ۵۴/۰۴ درصد آنها از ازدواج خود راضی بودند، در حالیکه ۶/۲۵ درصد از ازدواج خود اظهار ناراضی می کردند. همینطور، ۵/۱۵ درصد از پدربزرگ های جامعه آماری از درآمد خود راضی، و ۱۰/۶۶ درصد آنها از درآمد خود ناراضی بودند. در حالیکه ۱۱/۰۳ درصد پدربزرگ های مورد مطالعه از جو و شرایط اطراف خود راضی بودند، ۱۲/۸۷ درصد از آنها از این شرایط ناراضی بودند. داده های مورد نظر در خصوص مادربزرگ ها اینگونه نشان داد که ۳۵/۸۲ درصد آنها از ازدواج خود اظهار رضایت می کردند، در حالیکه ۱۰/۷ درصد آنها از ازدواج خود ناراضی بودند.

همچنین در بین اینگونه زنان مورد مطالعه ۳/۴۸ درصد از درآمد خود عموماً اظهار رضایت می کردند، و ۱۵/۱۷ درصد آنها در این مورد ناراضی بودند. به علاوه، ۱۵/۱۷ درصد مادر بزرگ های مورد مطالعه از شرایط اطراف خود راضی و ۱۹/۶۵ درصد از این شرایط ناراضی بودند. بنابر این همانطوری که ملاحظه می گردد، با توجه به اطلاعات و داده های بدست آمده فرضیه پژوهش به اثبات رسیده است.

دیگر شاخص های مربوط به روش زندگی پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها و رویکردهای آنها نسبت به خانواده در قالب جدول فشرده زیر منعکس می گردد:

جدول ۱*

تصویر چند محوری پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها در شهر تهران

نحوه برخورد با والدین بزرگ از سوی خانواده				
پدر بزرگ ها	۱۰۰٪	با عدالت	۳۴/۱۹٪	با عطفوت
مادر بزرگ ها	۱۰۰٪		۱۶/۴۲٪	۵۲/۹۴٪
چگونگی استفاده از ایده ها و تجارب والدین بزرگ در خانواده				
پدر بزرگ ها	۱۰۰٪	استفاده از ایده ها	۶۹/۸۵٪	عدم استفاده از ایده ها
مادر بزرگ ها	۱۰۰٪		۶۱/۶۹٪	۳۰/۱۵٪
چگونگی ارتباط والدین بزرگ				
پدر بزرگ ها	۱۰۰٪	دیدار با خویشاوندان	۲۶/۴۷٪	دیدار از فرزندان
مادر بزرگ ها	۱۰۰٪		۲۷/۶۱٪	۴۹/۲۶٪
منابع مراقبت و وابستگی والدین بزرگ				
پدر بزرگ ها	۱۰۰٪	دارای درآمد کافی	۴۲/۶۵٪	مراقبت توسط پرستار
مادر بزرگ ها	۱۰۰٪		۲۷/۶۱٪	۴۹/۲۶٪
نحوه زندگی و الویت زندگی والدین بزرگ				
پدر بزرگ ها	۱۰۰٪	زندگی بطور تنها	۶/۹۹٪	زندگی با فرزندان
مادر بزرگ ها	۱۰۰٪		۱۰/۴۵٪	۲۲/۰۶٪
پدر بزرگ مرده و وضعیت زندگی مادر بزرگ				
پدر بزرگ ها	۱۰۰٪	زندگی بطور تنها	۷۲/۷۸٪	زندگی با فرزندان
مادر بزرگ ها	۱۰۰٪		۶۰٪	۱۶/۹۱٪

* بخاطر کثرت جداول، صرفاً سرجمع اطلاعات (جداول) منظور شده است

بحث

والدین بزرگ می توانند منبع کمک بزرگی برای فرزندان باشند. آنها بر تطبیق پذیری خانواده تأثیر دارند، و اغلب حمایت برای کل خانواده را فراهم می آورند. آنها اغلب بعضی از خواسته ها و مقاصد نوه های خود را پاسخ می گویند، که اولیاء آنها از تأمین آن عاجزند. چگونگی و میزان ثمربخشی و مؤثر بودن **والدین بزرگ** خود در گرو این است که ابتدائاً نیازها و نگرانی های آنها پاسخ داده شوند. این پتانسیل نیز در آنها نهفته است که بهترین منبع کمک به یکدیگر باشند.

تحولات جمعیتی از جمله کاهش مرگ و میر و افزایش طول عمر در برخی از جوامع موجب افزایش تعداد سالمندان شده و همراه آن، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، بخصوص تحولات ساخت خانواده، از میزان نقش های سالمندان در خانواده کاسته است، به همین دلیل در کشورهای صنعتی، بسیاری از سالمندان یا در خانه های خود به صورت تنها زندگی می کنند، و یا به دلایل مختلف زندگی در سرراهی سالمندان را انتخاب کرده اند (سام آرام، ۱۳۷۸: ۳۱۴). در چنین شرایطی، بسیاری از پدربزرگ ها و مادربزرگ ها جایگاه خود را در خانواده از دست داده اند.

همینطور، عدم تأمین نیازهای خاص سالمندان (پدربزرگ ها و مادربزرگ ها) بویژه سالمندان خانه دار و آنان که دچار فقر مالی بوده، و امکانات بهداشتی و رفاهی مناسب در اختیار ندارند، موجب می شود که این دوره زندگی آنها که باید با شادمانی، احساس موفقیت از زندگی و عاقبت به خیری همراه باشد، در بسیاری از موارد با تنهایی و از کارافتادگی، معلولیت، بیماری، بی سرپرستی و ناامیدی قرین می شود (بوستان آبادی، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

والدین بزرگ نه تنها در ایران، بلکه در هر کشور دیگری می توانند مراقبت دهندگان اولیه برای میلیون ها کودک بویژه در عصر جدید باشند؛ یعنی در شرایطی که بسیاری از مادران خارج از خانه کار می کنند، آنها می توانند منبع کمک فزاینده ای نسبت به سلامت و رفاه "نسل سوم" باشند. در شرایطی که بسیاری از کودکان با فشارهای بیسابقه ای روبرو هستند، و بسیاری از والدین به کار و فعالیت خارج از خانه اشتغال دارند، آنها (پدر- مادر بزرگ ها) منبع مهم دانش، تجربه و سرپرستی برای نوه های خود بحساب می آیند. از این رو، اینگونه منابع مهم و بزرگ پند و تجربه می بایست به خوبی حفاظت گردند. جنبه های انسانی و اینکه هر نوزاد و کودک در صورت زنده ماندن کهنسال می شود، و هنجارهای انسانی ایجاد شده شامل

حال همه می شوند. همدردی و هم حسی مستقیم با والدین بزرگ نیز امر احساسی و اخلاقی جداگانه ای است، و نگرش به این امور صرفاً ابزاری نیست.

پژوهش حاضر جهت توجه خاص به این پدیده، و معرفی هر چه بیشتر هویت اصیل و غیرقابل انکار این گروه اجتماعی آغاز گردیده است. پدربزرگ ها و مادربزرگ ها بین نسل (های) گذشته و نسل (های) جدید پُل می زنند؛ و یا به عبارتی ارتباط برقرار می نمایند. آنها فرهنگ و ارزشهای گذشته را به نسل (های) جدید منتقل می نمایند. در حالیکه به نوه های خود سود می رسانند، به آنها کمک می کنند، و برای آنها منبع الهام هستند، خود نیز از آنها منتفع می گردند. از این رو، جوانان چه در جامعه ما و چه در هر جامعه دیگر می بایست بیاموزند که چگونه به پدر- مادربزرگ ها ارج نهند. در حالیکه این ارزش می بایست در فرهنگ ما نهادینه گردد، چنین فرهنگی خود نیز می بایست جهانی گردد. همینطور، والدین بزرگ خود از طریق تماس با نوه ها ضمن اینکه تا حد زیادی به روز و بهنگام می گردند، این جریان آنها را از گرفتار آمدن به انفکاک اجتماعی^۱ باز می دارد.

از سوی دیگر، جهت ارتقاء کیفیت زندگی در سطح ملی، محیط سالم و پاکیزه می بایست ایجاد گردد، آموزش و فرهنگ می بایست ارتقاء یابد، فرصت های اقتصادی در تمامی سطوح می بایست فراهم آید، و بالاخره افراد بسیار جوان و پدر- مادربزرگ های بسیار سالمند می بایست صرفنظر از طبقه، نژاد، رنگ پوست و ... آنها، در هر جامعه ای می بایست مورد احترام قرار گیرند. بهر حال، طرفداری از محیط زیست سالم خود بعنوان نظریه ای جدید به این بحث می پردازد که جهان فیزیکی در حال لطمه دیدن است، و آن خود بطور گسترده و فزاینده ای رفاه پدر- مادربزرگ های ما را تحت تأثیر قرار می دهد. در تبیین موضوع، جامعه شناسان به دنبال این بحث هستند که مسائل محیط زیست چگونه با ارزشهای فرهنگی خاص، تمهیدات اقتصادی و پدر- مادربزرگ های رو به سالمند شدن پیوند دارد (Cylke:1993).

سلامت والدین بزرگ خود بستگی به چند عامل از جمله فراهم کردن مددکاری اجتماعی و خدمات بهداشتی برای آنها دارد، و اینکه چگونه بتوان سلامت اجتماعی، فیزیکی و عقلی آنها را بهبود بخشید. پدر- مادربزرگ ها گرچه در سن بازنشستگی قرار دارند، در عین حال، آنها را مجدداً می توان فعال کرد؛ بنحوی که وظایف ثانویه ای چون مراقبت از نوه ها در خانه های بدون والد را بتوانند بعهده گیرند، یکدیگر را یاری دهند، استقلال خود را برای مدت زمانی

بیشتر بتوانند حفظ نمایند و ... اگر به گذشته برگردیم؛ یعنی حدود یک قرن پیش یا بیشتر؛ زمانی که حدود نیمی از کودکان قبل از رسیدن به بیست سالگی می مردند، و تعداد کمی به سن چهل سالگی راه می یافتند (Lenski&Lenski:1995)، تحت چنین شرایطی شانس داشتن پدر- مادر بزرگ بسیار کم بود.

با افزایش طول عمر و امید زندگی، تعداد و نسبت پدر- مادر بزرگ ها همواره در مقایسه با هر زمانی در گذشته رو به افزایش است. در حالیکه نسبت پدر بزرگ ها و مادر بزرگها در کشور رو به افزایش است، افزایش سالانه تورم، موقعیت اقتصادی و مالی اینگونه شهروندان را همواره تضعیف می نماید، و در نتیجه نشانه های بیشتری از فقر در این سنین بین آنها پدیدار می گردد (شیخی، ۱۳۸۷:۶۳). تحت چنین شرایطی، فراهم کردن تأمین اجتماعی برای این جمعیت امری حیاتی بحساب می آید. در عین حال، زاد و ولد های فراوان^۱ دهه ۱۳۲۰ شمسی و بعد از آن، که امروزه به تدریج ۶۵-۶۰ ساله و بیشتر می گردند، آن خود به تعداد پدر- مادر بزرگ ها در ایران می افزاید. بهر حال، درست عین مسائل و پیامدهای جسمی سالمندی، تغییرات سیستم عقلی و روانی نیز به دنبال سالمندی پدیدار می گردد. بطور خلاصه، اینگونه می توان بیان کرد: "آنچه که صعود می کند، یک روز نیز سقوط می کند" (Baltes and Shaie:1979). امروزه نیازهای اصلی سالمندان عبارتند از: درآمد بهتر، تأمین اجتماعی بیشتر، و پوشش کاملتر بیمه های درمانی. از این رو، افزایش سالمندی خود به معنای پدر بزرگ ها و مادر بزرگ های بیشتر است. بهر حال، به دنبال افزایش تعداد و نسبت جمعیت سالمند، نظام سلامت و مراقبت های پزشکی/ درمانی نیز ورودی های (پدر بزرگ ها و مادر بزرگ های) بیسابقه ای را با مسائل جسمی و عقلی تجربه خواهد کرد؛ یعنی مسائل مختلف "سن - محور" به مراقبت های پیچیده تری نیاز خواهند داشت.

در حالیکه تمامی پدر- مادر بزرگ ها در وضعیت سلامت قرار ندارند، اقلیت هائی از آنها با مشکلات و چالش های مربوط به اعتیاد، بهداشت روانی، آلزایمر، دمانس^۲ (زوال عقل) و نظایر آن روبرو هستند. در عین حال، تداول افسردگی در عصر حاضر بین آنها رو به افزایش است. اما، این روزها خوشبختانه به دنبال پیشرفت علوم پزشکی، بسیاری از سالمندان بر اساس تشخیص

1-Baby-boomers

2-Dementia

متخصصان بالینی^۱ می توانند درمان گردند. این امر ضمن اینکه تا حد زیادی در کشورهای صنعتی امکان پذیر است، در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران کمتر عملی است. مطالعات دیگر حاکی از این است که از بسیاری از بیماری های مربوط به سالمندان (به نقل از علوم پزشکی) مانند افسردگی، فشار خون، دیابت، ناراحتی های قلبی و دیگر بیماری ها می توان پیشگیری بعمل آورد، و در مواردی حتی در شرایط فراهم بودن وسایل لازم، آنها را درمان کرد. آنچه که درخصوص سالمندان بسیار صعب العلاج است، همانا اختلالات عقلی/روانی است، که به سهولت آنها را نمی توان درمان کرد. در هر حال، علیرغم تمامی پیشرفت های بعمل آمده در روشهای درمان در جوامع مختلف، بسیاری از پزشکان به سهولت نمی توانند مسائل بهداشت روانی سالمندان را در مراحل اولیه آلزایمر شناسائی و تشخیص دهند. همینطور، حتی در صورت تشخیص، بسیاری از بیماران سالمند، درمان مورد نیاز را دریافت نمی کنند. در شرایط مشکلات جسمی و فیزیکی مثل شکستگی و نظایر آن، پزشکان و متخصصین بالینی در مقایسه با موارد و مسائل روانی و عقلی احساس مسئولیت و توجه بیشتری می نمایند. از این رو، در بسیاری موارد بیماری های دماغی و مسائل سالمندی که معمولاً برای پدر-مادربزرگ ها اتفاق می افتند، در عصر حاضر و در بسیاری از جوامع نادیده گرفته می شوند.

عواملی از نوع سن پدربزرگ ها و مادربزرگ ها، و اینکه آیا هر دو زنده اند، و با یکدیگر زندگی می کنند، تمامی آنها در چگونگی کیفیت زندگی آنها نقش دارند. همینطور، موقعیت شغلی پدر-مادربزرگ ها، مستمری آنها، سن و کار آنها (پذیرش آنها برای کار)، درآمد آنها و بطور کلی موقعیت اقتصادی آنها، بر کیفیت زندگی و وضعیت سلامت آنها تأثیر دارند. در ایران، تمامی پدر-مادربزرگ ها دارای بیمه خدمات درمانی نیستند. بنابراین، آنهاست که از آن برخوردارند، عملاً دارای زندگی بهتر و امن تری هستند. موقعیت تحصیلی پدر-مادربزرگ ها نیز شکاف بین آنها و نوه های آنها را کاهش می دهد. آموزش و سواد خود نقش مؤثری در افزایش امید زندگی این گروه سنی - جمعیتی ایفاء کرده است؛ یعنی باعث گردیده است تا ضمن اینکه تعداد بیشتری پدر-مادربزرگ وجود داشته باشد، در آینده نیز نسبت آنها افزایش یابد (Blundell:2001). اما، تمامی پدر-مادربزرگ ها با سواد نیستند. درحالیکه بسیاری از پدر-مادربزرگ ها نیازمند به کمک و حمایت های عاطفی فرزندان و نوه های خود هستند، این مهم در عصر پیچیده کنونی و در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جاری بخوبی اتفاق نمی افتد.

نتیجه

شواهد آماری حاکی از این است که تعداد جمعیت سالمند، یا به تعبیری والدین بزرگ* در ایران رو به افزایش است. خصوصیات فردی سالمندان چون وضعیت سلامت، ویژگیهای شخصیتی، مسائل شخصی و زمینه های اجتماعی- اقتصادی آنها (والدین بزرگ) در این مقاله با یکدیگر متفاوت هستند. همینطور، وضعیت تحصیلی متفاوت، شرایط درآمد، کار و شرایط صحتی این افراد سالمند قبل از دوره بازنشستگی آنها، کیفیت زندگی متفاوتی را برای آنها در دوره سالمندی آنها بعنوان والدین بزرگ به دنبال آورده است. افزایش والدین بزرگ به حدود هفت برابر در ایران طی پنجاه سال؛ یعنی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۳۵ (نشریات سرشماری: ۸۵-۱۳۳۵) بدان معناست که نیازهای سالمندان خود به نسبت بیشتری افزایش یافته است، و هر گونه کوتاهی یا غفلت در این خصوص به معنای سوء استفاده یا سوء رفتار با سالمندان بین آنها تلقی می گردد. والدین بزرگ سالمند به لحاظ هنجارها و فرهنگ، متکی به فرزندان خود هستند، و در آن، مادر بزرگ ها بیشتر متکی به دختران خود هستند. همینطور، از آنجا که سکونت در سراهای سالمندان در ایران زیاد معمول نیست، تنها راه باقی مانده برای اینگونه سالمندان این است که تحت حمایت فرزندان و دیگر اعضای جوان خانواده قرار گیرند. در این تحقیق به خاطر محدودیت داده ها، نویسنده بیش از این نتوانسته است کیفیت زندگی سالمندان و والدین بزرگ را مورد کنکاش قرار دهد. امید است که در مطالعات آتی به اطلاعات بیشتری در این خصوص بتوان دست یافت. براساس داده های بدست آمده، فرضیه اصلی تحقیق به اثبات رسید که دسترسی بیشتر به خدمات، خود بهبود کیفیت زندگی پدربزرگ ها و مادر بزرگ های سالمند را فراهم می آورد.

بعلاوه، به خاطر ساختار جمعیتی جوان کشور در حال حاضر، ایران تا سالهای آتی (۱۴۱۰ شمسی) با نسبت و تعداد والدین بزرگ سالمند بیشتری مواجه خواهد شد. همینطور، از آنجا که امید زندگی نیز در ایران رو به افزایش است، بطور منطقی نیز در سالهای آتی انتظار والدین بزرگ (بوژه مادر بزرگ های) بیشتری را می بایست داشت. بنابراین، مسائلی چون موقعیت ضعیف، اشتغال و بازنشستگی اجباری، خدمات مالی و بیمه، حمل و نقل و خدمات درمانی برای والدین بزرگ سالمند در قالبی محدودتر در تهران، و بیشتر در سایر نقاط ایران، وسیعاً چالش آفرین شده است.

* تذکر اینکه هر سالمندی والد بزرگ نیست.

منابع:

- آصفی، الف (۱۳۵۲): پدربزرگ ها و مادربزرگ های امروز، اصل اثر از فرن و ایزابیر، تهران انجمن اولیاء و مربیان.
- بوستان آبادی، ناهید (۱۳۷۸) بررسی و شناخت وضع موجود سالمندان در شهر تهران. مجموعه مقالات سالمندی، جلد دوم، اولین کنفرانس بین المللی سالمندی در ایران، مهر ۱۳۷۸، تهران.
- سام آرام، عزت الله و زیبا احمدی بنی (۱۳۸۶)، "بررسی عوامل مؤثر بر موقعیت سالمند در خانواده"، فصلنامه سالمند سال ۲، شماره ۴، صفحه ۲۶۹-۲۷۹.
- سام آرام، عزت الله (۱۳۸۷): موقعیت سالمندان در خانواده، مجموعه مقالات سالمندی، جلد دوم، اولین کنفرانس بین المللی سالمندی در ایران، مهر ۱۳۷۸، تهران.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۷): جامعه شناسی زنان و خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۵): جامعه شناسی توسعه، تهران، نشرحریر.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۷): جامعه شناسی شهروندی و آسیب شناسی شهری، تهران، نشر حریر.
- مارمت، مایکل (۱۳۸۸)، رئیس کمیسیون جهانی عوامل مؤثر بر سلامت، خبرنگار اجتماعی فارس (اینترنت) ۱۳۸۸/۸/۲۷.
- نشریات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۸۵-۱۳۳۵، مرکز آمار ایران.
- Anderson, B., (2001): "Scandinavian Evidence on Growth and Age Structure", *Regional Studies* 35: 377-390.
- Baltes, P.B., and K.W. Shaie, "The Myth of Twilight Years", *Psychology Today*, Vol.7, No.10, (March 1974) 35-39.
- Becker, G., (1964): *Human Capital*, Chicago, University of Chicago Press.
- Becker, G.S., (2004): *Economic Approaches to Understanding Families, Understanding and Optimizing Human Development: From Cells to Patients to Population* 1038 (1): 201-205.
- Bengstone, V., and J. Robertson, (1985): *Grandparenthood*, Beverly Hills, California, Sage Publications.

- Ben-Porath, Y., (1967): "The Production of Human Capital and the Life Cycle of Earning", *Journal of Political Economy*, 75(4) Part One: 352-365.
- Benoit, H.M., *Lecture Delivered at the Centre for Addiction and Mental Health, University of Toronto*, (2008).
- Berado, F.M., "Survivorship and Social Isolation: The Case of the Widower". *The Family Coordinator*, Vol.19,(January 1970): 11-25.
- Blanchet, D., (1992): Does an Ageing Labour Force Call for Large Adjustment in Training or Wage Policies?, in P. Johnson and K.F. Zimmermann (eds.), *Labour Market in An Ageing Europe*. CEPR, Cambridge University Press.
- Bloom, D.E., and J.G. Williamson, (1998): "Demographic Transitions and Economic Miracles in Emerging Asia", *World Bank Economic Review* 12:419-455.
- Blundell, J., (2001): *Active Sociology*, Essex, Longman.
- Cylke, F.K., (1993): *The Environment*, New York, Harper Collins.
- Harris, C., (1969): *The Family*, London, Allen and Unwin.
- Jarrett, Robin L., "Living Poor: Family Life among Single Parent African American Women", *Social Problems*, Vol.41, No.1, (February 1994): 30-49.
- Kalish, R., (1982): *Late Adulthood: Perspectives on Human Development*, 2nd ed, Monterey, California, Brooks.
- Lenski, G., and J. Lenski, (1995): *Human Societies: An Introduction to Macrosociology*, 7th ed., New York, McGraw-Hill.
- Martin, J., and J. Roberts, (1984): *Women and Employment: A Lifetime Perspective*, London, HMSO.
- Mince, J., (1974): *Schooling, experience, and Earnings*, New York, Columbia University Press.
- Ogawa, N., (2003): "Population Ageing and its Impact on the Socio-economic System in Japan", *Ageing in Japan 2003*, Tokyo, Japan Ageing Research Centre.
- Pillemer, K.A., and D.W. Moore, (1989): Abuse of Patients in Nursing Homes. Findings from a Survey of Staff, *Gerontologist* 29:314 A-320.

- Pillemer, K.A., and D. Finkelhor, (1989): Causes of Elder Abuse — Caregiver Stress vs. Problem Relatives, American Journal of Orthopsychiatry 59(2): 179-187.
- Results of the Decennial Population and Housing Censuses in Iran, (1956-2006).
- Victor, C., (1994): Old Age in Modern Society, London, Chapman and Hall.
- Voelker, R., (2002): Elder Abuse and Neglect, A New Research Topic: Journal of American Medical Association 288 (18): 2254-2256.
- World Population Data Sheet (WPDS) 2015, PRB, Washington DC.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی